

سه شنبه 3 دی 1398، 26 ربیع الثانی 1441-24 دسامبر 2019

عملیات کربلای چهار (1365 ش)



عملیات کربلا، حما، (1365 ش)، عملیات کربلای چهار در چنین روزی از سال ۱۳۶۵ هجری شمسی در منطقه عملیاتی غرب اروندرود آغاز گردید. تصمیم برای یک rlm& سره کردن کار جنگ با اجرای عملیات بزرگ در سال ۱۳۶۵ ش تلاش سپاه پاسداران را برای طراحی عملیات کربلای ۴ در منطقه ابوالخصب و شلمچه با هدف رسیدن به دروازه های بصره، در پی داشت. جنگ شهر ها در سطح گسترده، حمله به مراکز اقتصادی، صنعتی و نفتی فشار فوق العاده ای را بر کشور وارد ساخته و به rlm& ویژه، کاهش بسیار زیاد قیمت نفت تا مرز ۵.۵ دلار در هر بشکه موجب تشدید این فشار ها شده بود. همراه با این فشار ها، تحرک جدید دشمن در عرصه زمینی که پس از اشغال اراضی کشور در آغاز جنگ برای نخستین rlm& بار صورت می گرفت، جبهه خودی را تحت فشار قرار داده بود. در چنین شرایطی، براساس راهبرد نظامی ارائه شده از سوی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی به مسئولان کشور برای نیل به پیروزی در جنگ باید در جبهه جنوب، جاده های شمالی و جنوبی بصره و نیز در جبهه شمالی جاده های مواصلاتی کرکوک به بغداد، قطع و یا تهدید شوند تا صدور نفت عراق به خارج کاملاً قطع گردد و سپس حرکت اصلی به سمت بغداد شروع شود. بر همین اساس، محاصره و سپس تصرف شهر بصره به rlm& عنوان هدف عملیات اصلی سپاه پاسداران در سال ۱۳۶۵ ش مورد توجه قرار گرفت. از دیگر ویژگی هایی که باعث انتخاب این منطقه برای عملیات شد، عوارض موجود در زمین غرب اروند در منطقه ابوالخصب بود، زیرا وجود نهر ها، نخلستان ها و کانال های کشاورزی و نیز عدم وجود استحکامات در منطقه پتروشیمی تا بصره این منطقه را قابل تصرف و پدافند می نمود. هم rlm& چنین، به rlm& دلیل آن rlm& که دو جناح منطقه عملیاتی از شمال به آبگرفتگی شلمچه و کانال ماهی و از جنوب به خور زبیر و زمین های باتلاقی اطراف آن محدود شده بود، قدرت تحرک دشمن ضعیف برآورد می شد. مزیت دیگر منطقه عملیاتی، واگذاری مسئولیت حفاظت و اداره آن به سپاه های سوم و هفتم عراق بود. این مسئله، با توجه به مانور عملیات که نفوذ از میان خط حد دو سپاه بود، یکی از ویژگی های برجسته منطقه عملیاتی به rlm& شمار می رفت. مانور در این عملیات، نقش اساسی و تعیین کننده ای داشت چرا که تجربه عبور از عرض رودخانه اروند در عملیات والفجر ۸ این rlm& بار می بایست در طول رودخانه انجام می گرفت و این عبور که خود تاکتیک ویژه و ابتکار عملیات به rlm& شمار می رفت، در صورت تحقق جنبه های دیگر آن شامل شکستن خط، پاک rlm& سازی، نفوذ در عمق و تسلط بر چند راه ورودی شهر بصره می شد، تحول عظیمی در جنگ ایجاد می کرد، از این rlm& رو از اردیبهشت تا مهر ۱۳۶۵ ش و سپس آذرماه همان سال بحث های مختلف و طرح های گوناگونی ارائه شد، ولی به rlm& دلیل معایب آن ها منتفی گردید تا این rlm& که پس از یک دور بحث، طرحی تصویب شد که مورد توافق کلیه فرماندهان بود. در جلسه ۱۶ مهر ۱۳۶۵ ش پس از بحث و گفت و گو، سرانجام فرماندهان یگان ها مانور عملیاتی از پنج ضلعی در شلمچه تا جزیره سهیل در مقابل جزیره مینو را پذیرفتند. آن ها پذیرفتند که زمین شلمچه بر زمین مقابل جزیره مینو ترجیح دارد. هم rlm& چنین، اهمیت زمین دو طرف اروند و ابوالخصب و نیز تاکتیک ویژه برای عبور از تنگه مورد قبول واقع شد. از نیمه دوم مهرماه، کار آماده سازی منطقه عملیات با جدیت پیگیری شد. در حین این پیگیری و پیشبرد امور، بحث مانور باز هم مطرح شد و سرانجام در آذرماه فرمانده سپاه با دریافت نظرات و مسائل جدید طی جلسه ای با هاشمی رفسنجانی، خط جدید کاری را به نیروی زمینی سپاه ابلاغ کرد. مطابق آخرین تصمیم گیری و جمع بندی وضع موجود برای انجام عملیات کربلای ۴، چهار زمین شلمچه، ابوالخصب، منطقه مقابل جزیره ام الرصاص و جزیره مینو انتخاب شد. این عملیات می بایست در ساعت ۲۲:۳۰ از تاریخ سوم دی rlm& ماه سال ۱۳۶۵ هجری شمسی آغاز شود. به rlm& همین خاطر، غواص های خودی ساعاتی قبل به درون آب رفته و به سمت خط دشمن حرکت کردند. در این میان، نیروهای دشمن که کاملاً آماده و هوشیار بودند ضمن پرتاب منور، با تیربار و خمپاره به طرف نیروهای خودی شلیک می کردند. در مجموع، عملیات خارج از کنترل و هدایت فرماندهی قرار گرفته بود و قبل از هر دستوری، یگان ها با توجه به نوع وضعیت و هوشیاری و عکس rlm& العمل دشمن به rlm& محض رسیدن به ساحل، درگیری را آغاز می کردند. در این حال، رمز عملیات - یا محمد (ص) - حدود ساعت ۲۲:۴۵ اعلام شد و نیروهای عمل rlm& کننده فقط توانستند در جزایر سهیل، قطعه، ام rlm& الرصاص، ام rlm& البابی و بلجانیه نفوذ کنند و در بعضی مناطق نیز به rlm& صورت موضعی رخنه نمایند. در مقابل، نیروهای دشمن با پرتاب پی rlm& درپی منور و اجرای چند مورد بمباران کنار نهر عریض (عقبه برخی از یگان ها) و هم rlm& چنین اجرای آتش مؤثر روی رودخانه اروند، عملاً سازمان غواص ها و نیز نیروهای موج دوم و سوم را به هم زد؛ به rlm& طوری؛ که نیروهای یگان های مجاور بعضاً پراکنده شده و اغلب نمی توانستند روی هدف عمل نمایند. یکی از مناطق حساس عملیات، جزیره ام rlm& الرصاص و نوک بوارین بود که به rlm& رغم تلاش بسیاری که برای تصرف آن انجام شد، به rlm& خاطر هوشیاری دشمن امکان ادامه درگیری از میان رفت. دشمن با شلیک پر حجم تیربار روی آب، از عبور نیرو ها از تنگه ام rlm& الرصاص - بوارین جلوگیری کرد. مضافاً به این rlm& که به rlm& خاطر حساسیتی که دشمن نسبت به ام الرصاص داشت، در پدافند آن از ۹ رده مانع طبیعی و مصنوعی بهره می برد، به rlm& طوری؛ که هرگاه از هر خط عقب رانده می شد، در خط بعدی که نسبت به خط قبلی اشراف و تسلط داشت، مقاومت می کرد. در این حال، با توجه به هوشیاری دشمن، امکان ادامه عملیات میسر نبود، لذا به rlm& منظور حفظ قوا و طراحی مجدد عملیات آتی، از ادامه نبرد اجتناب شد.

روز ثبت احوال

سوم دی ماه به عنوان روز ثبت احوال در تقویم رسمی کشور وارد شد با تصویب شورای شورای فرهنگ عمومی کشور سوم دی ماه به عنوان روز ثبت احوال در تقویم رسمی کشور وارد شد. این روز اولین شناسنامه ایرانی صادر شد. ثبت احوال بصورت یکپارچه و منسجم در جهان مربوط به قرن نوزدهم میلادی است. در ایران همزمان با نوسازی و مدرنیزاسیون و نیاز به شناسایی اتباع جهت ایجاد ارتش منظم، اخذ مالیات و... تاسیس ثبت احوال در دستور کار قرارگرفت از این رو در جلسه مورخه 30 آذر ماه 1297 هجری شمسی به تصویب هیات وزیران رسید و با صدور اولین شناسنامه برای دختری به نام فاطمه ایرانی در تاریخ 3 دیماه 1297 در تهران فعالیت خود را آغاز کرد. تا قبل از سال 1295 هجری شمسی ثبت وقایع حیاتی از جمله ولادت و وفات براساس اعتقادات مذهبی و سنت های رایج در کشور، با نگارش نام و تاریخ ولادت مولود در پشت جلد کتب مقدس از جمله قرآن مجید به عمل می آمد و از افراد متوفی نیز جزء نام و تاریخ وفات آنان که بر روی سنگ قبر ایشان نگاشته می شد اثری مشاهده نمی گردید. با گسترش فرهنگ و دانش بشری و نیز توسعه روز افزون شهرها و روستاها و افزایش جمعیت کشور، نیاز به سازمان و تشکیلاتی برای ثبت وقایع حیاتی ضرورتی اجتناب ناپذیر می نمود. به تدریج فکر تشکیل سازمان متولی ثبت ولادت و وفات و نیز صدور شناسنامه برای اتباع کشور قوت گرفت. ابتدا سندی مشتمل بر 41 ماده در سال 1297 هجری شمسی به تصویب هیات وزیران رسید و اداره ای تحت عنوان اداره سجل احوال در وزارت داخله (کشور) وقت به وجود آمد؛ پس از تشکیل این اداره اولین شناسنامه به شماره 1 در بخش 2 تهران در تاریخ 16 آذر 1297 هجری شمسی به نام فاطمه ایرانی صادر گردید. پس ازاین دوره اولین قانون ثبت احوال مشتمل بر 35 ماده در خرداد سال 1304 هجری شمسی در مجلس شورای

ملی وقت تصویب شد. براساس این قانون مقرر گردید کلیه اتباع ایرانی در داخل و خارج از کشور باید دارای شناسنامه باشند. سه سال پس از تصویب اولین قانون ثبت احوال یعنی در سال 1307 هجری شمسی قانون جدید ثبت احوال مشتمل بر 16 ماده تصویب گردید. براساس این قانون وظیفه جمع آوری آمارهای مختلف نیز به اداره سجل احوال محول گردید، به همین جهت نام این اداره نیز به اداره احصائیه و سجل احوال تغییر یافت. از آن تاریخ به تناسب شرایط زمانی تغییر و تحولات بوجود آمده در کشور و با احساس عدم تناسب قوانین موجود با نیازهای جامعه، قانون ثبت احوال نیز به دفعات مورد تجدید نظر، تغییر و اصلاح قرار گرفت. متعاقباً در اردیبهشت سال 1319 قانون نسبتاً جامع و کاملی مشتمل بر 55 ماده تصویب گردید و پس از آن آئین نامه مربوط به این قانون نیز در همان سال مشتمل بر 131 ماده به تصویب رسید. این قانون به جهت جامعیت نسبی قریب 36 سال پایدار ماند. پس از گذشت این زمان در تیر ماه 1355 قانون جدید ثبت احوال مشتمل بر 55 ماده به تصویب رسید و سپس به موجب اصلاحیه دی ماه سال 1363 مجلس شورای اسلامی در برخی از مواد اصلاحاتی صورت گرفت و تاکنون نیز این قانون به قوت خود باقی مانده است. در یک نگاه اجمالی سیر قانونگذاری درخصوص ثبت احوال را اینگونه می توان دسته بندی نمود: 1- تهیه تصویب نامه ثبت احوال در سال 1297 مشتمل بر 41 ماده 2- تهیه و تصویب قانون سجل احوال در تاریخ 1304/3/14 مشتمل بر 4 فصل و 35 ماده 3- تهیه و تصویب نظام نامه اداره کل احصائیه و ثبت احوال توسط هیات وزیران در 1314/11/20 مشتمل بر 196 ماده و تعیین تشکیلات دفاتر و ادارات ثبت احوال در شهرستانها 4- تهیه و تصویب قانون اصلاح قانون ثبت احوال در اردیبهشت سال 1319 مشتمل بر 5 باب و 55 ماده 5- تهیه و تصویب آئین نامه قانون ثبت احوال سال 1319 مشتمل بر 131 ماده 6- تهیه و تصویب قانون ثبت احوال در تیرماه سال 1355 7- اصلاح و بازنگری قانون ثبت احوال توسط مجلس شورای اسلامی در تاریخ 1363/10/18 8- تصویب آئین نامه طرز رسیدگی هیاتهای حل اختلاف موضوع ماده 3 قانون ثبت احوال 9- تصویب قانون تخلفات، جرائم و مجازاتها مربوط به اسناد سجلی و شناسنامه توسط مجمع تشخیص مصلحت نظام در سال 1370 همزمان با تغییر و تصویب قوانین جدید، تشکیلات ثبت احوال نیز کاملتر گردید. این سازمان تا سال 1310 تنها دارای 94 اداره در تهران و شهرستانها بود. در سال 1308 ثبت ولادت و صدور شناسنامه برای اتباع ایرانی مقیم خارج از کشور به سفارتخانه ها و نمایندگی های ایران در خارج از کشور محول شد. در سال 1337 نیز قسمت آمار از ثبت احوال منفک و تحت عنوان اداره کل آمار عمومی ادامه فعالیت داد. تشکیلات جدید ثبت احوال نیز پس از این جدایی به اداره کل ثبت احوال تغییر نام یافت. سرانجام با تصویب قانون تقسیمات کشوری ادارات استانی و شهرستانی این سازمان نیز گسترش یافت و عنوان آن نیز به سازمان ثبت احوال کشور تغییر یافت. سازمان ثبت احوال کشور به دلیل در اختیار داشتن اسناد هویت و تابعیت فردی و آمارهای حیاتی یکی از ارکان مهم حکومت تلقی می شود. ارائه خدمات عمومی به آحاد مردم و اطلاعات ویژه جمعیتی به ارکان حکومت از ویژگی های اختصاصی و انحصاری این سازمان است. در حال حاضر سازمان مذکور برای انجام ماموریت های محوله، تشکیلاتی به شرح ذیل دارد: حوزه ریاست، 3 معاونت (امور سجلی، آمار و انفورماتیک و اداری و مالی) و 6 اداره کل (امور حقوقی، سجلی و پژوهش، ثبت احوال امور خارجه، خدمات ماشینی، امور اداری و امور مالی)، 6 دفتر ستادی (دفتر آمار و اطلاعات جمعیتی، دفتر توسعه و فن آوری اطلاعات، دفتر بودجه و تشکیلات، دفتر روابط عمومی و دفتر مدیریت و ارزیابی عملکرد و پاسخگویی به شکایات و مدیریت حراست، یک مرکز آموزش و تجهیز نیروی انسانی) و 30 اداره کل ثبت احوال استانی که به انجام وظایفی نظیر «سیاستگذاری، برنامه ریزی کلان، نظارت و ارزیابی، تدوین و اصلاح قوانین و مقررات و رویه های اداری، آئین نامه ها و دستور العمل ها و...» همت می گمارند و بالاخره تعداد 476 اداره اجرایی انجام فعالیتهای خدمات رسانی در زمینه امور سجلی و انفورماتیک می پردازند. ذیلأ به شرح مختصری از فعالیت های اصلی سازمان بسنده می گردد. وظایف سازمان ثبت احوال کشور به قرار ذیل است: الف) ثبت ولادت و صدور شناسنامه ب) ثبت وفات و صدور گواهی ج) تعویض شناسنامه های موجود در دست مردم د) ثبت ازدواج و طلاق و نقل تحولات ه) صدور گواهی ولادت برای اتباع خارجه و تنظیم دفاتر ثبت کل وقایع و نام خانوادگی و) ایجاد پایگاه اطلاعات جمعیتی و صدور کارت شناسایی ملی ز) جمع آوری و تهیه آمار انسانی سراسر کشور و انتشار آن ی) وظایف مقرر دیگری که طبق قانون به عهده سازمان گذاشته شده است.

درگذشت نویسنده و عالم زاهد آقاجنفي قوچاني(1363 ق) سیدمحمد حسن معروف به آقا نجفي قوچاني در سال 1295 ق در روستاي خسرويه در حوالي شهر قوچان به دنیا آمد. در کودکی به فراگیری قرآن نزد پدر پرداخت و سپس به تشویق والد خود برای تحصیل علوم دینی، راهی قوچان شد. از آن پس وارد مشهد گردید و تحصیلات خود را ادامه داد. سیدمحمدحسن در نوزده سالگی همراه یکی از دوستانش، با پای پیاده از راه طبرس به یزد و از آنجا به اصفهان رفته و در اقامت چهار ساله‏ی خود در آن شهر، از اساتید فن، مستفیض گردید. آقاجنفي قوچاني بار دیگر با پای پیاده عزم نجف اشرف کرد. در مدت بیست سال سکونت در آن دیار مقدس، از محضر علمای نامدار زمان از جمله آخوند خراسانی بهره‏مند شد و به اجتهاد نایل آمد. او با شنیدن خبر درگذشت پدر به زادگاه خود مراجعت نمود و به درخواست اهالی قوچان، در آن شهر رحل اقامت افکند. آقا نجفي قوچاني، علاوه بر اداره‏ی حوزه‏ی علوم دینی آن دیار، حاکمیت شرع شهر قوچان را نیز عهده دار بود. آقا نجفي قوچاني در جنبش مشروطیت ایران، همگام با دیگر روحانیون مبارز، مشارکت فعال داشت. از وی آثار گرانسنگی به جا مانده است که کتب سیاحت شرق و سیاحت غرب از جمله‏ی آنها می‏باشد. سرانجام این عارف زاهد در شصت و هشت سالگی در شهر قوچان دار فانی را وداع گفت و در منزل خود در آن شهر مدفون گردید.

مرگ "حسن صبحا" داعی فرقه‏ی اسماعیلیه در الموت در نزدیکی قزوین(518 ق) حسن صبحا پس از قبول مذهب اسماعیلی در سال 464 ق، مدتی در مصر بود و سپس به ایران بازگشت. او در ابتدا در خوزستان، اصفهان، یزد، کرمان و دامغان، سرگرم دعوت بود و در همان حال، داعیانی به اطراف فرستاد و بسیاری از مردم را به مذهب خود درآورد. حسن صبحا توانست در ششم رجب سال 483 ق به قلعه‏ی مستحکم و طبیعی الموت در نزدیکی قزوین دست یابد و به گسترش دایره‏ی دعوت خود بپردازد. کار صباح و دعوت اسماعیلیان با مرگ ملک شاه سلجوقی و به ویژه قتل نظام‏الملک، وزیر مقتدر سلجوقی، فرصت را بیش از قبل در اختیار این فرقه نهاد و شهرت آنان را عالمگیر کرد. حسن، فداییانی تربیت کرده بود که حاضر بودند به اشاره‏ی او، هر کاری انجام دهند. قتل‏های متعدد بزرگانی که مخالف فعالیت اسماعیلیان بودند توسط این فداییان صورت می‏گرفت و باعث ایجاد رعبی عظیم در دل مخالفان گردید. حسن، حتی سلطان سنجر سلجوقی را تهدید به مرگ کرد و پادشاه، از ترس جان، با او آشتی نمود. از آن پس قدرت صبحاحیان بیشتر از قبل فزونی یافت تا این که، حسن صباح در 26 ربیع‏الثانی 518 ق درگذشت. حسن مردی معتقد و خشک بود و دو پسر خود را به سبب تخلفات مذهبی کشت. او با سلطنت ارثی مخالف بود و پس از خود یکی از سردارانش را به جای خویش برگزید.

تولد "آدام میٹسکویچ" نویسنده معروف لهستانی (1798م) آدام میٹسکویچ شاعر و نویسنده بزرگ لهستانی در 24 دسامبر سال 1798م در لهستان به دنیا آمد. وی پس از اتمام تحصیلات متوسطه، راهی دانشگاه شد و به تحصیل فلسفه پرداخت. اما دیری نپایید که فلسفه را رها کرد و به سراغ ادبیات و هنرهای زیبا شتافت. میٹسکویچ در 22 سالگی عالی‏ترین اثر دوران جوانیش با نام حماسه جوانان را منتشر کرد و به شهرت دست یافت. این منظومه، نوعی شعر رمانتیک سیاسی بود که میان مردم قرن نوزدهم لهستان بسیار مشهور گشت. اشعاری که میٹسکویچ در این دوره می‏ساخت، علی‏رغم توقیف شدن، در صدها نسخه خطی، دست به دست می‏گشت و همه جوانان آن‏ها را از حفظ می‏خواندند. او در دوره‏ی می‏زیست که لهستان میان روسیه، اتریش و پروس تقسیم شده بود و وی برای اتحاد مجدد کشورش، فعالیت می‏کرد. به همین دلیل در سال 1823م به جرم ترویج میهن‏پرستی نامعقول از طرف دولت روسیه، به این کشور تبعید شد. میٹسکویچ پس از 6 سال تبعید از روسیه به فرانسه گریخت و به تدریس ادبیات پرداخت. این درس‏ها اگر چه درباره ادبیات زبان‏های اسلاو بود، اما بر پایه ایمان مسیحیت قرار داشت. وی در تدریس خود مبانی مذهبی و عرفانی و اصول

تازه‌های ادبیات دینی را عرضه می‌نمود. او در سال 1848م به اسلامبول رفت تا با تشکیل يك واحد نظامی لهستانی به جنگ با روسیه بپردازد، اما اجل مهلتش نداد و در 26 نوامبر 1855م در 57 سالگی در این شهر درگذشت. وی تنها شاعر لهستانی است که در کشورهای اروپای غربی شهرت یافته است. وی در منظومه‌های؛ هایی که می‌سرود، به هم‌میهنان خود، رسالتی را که درباره آزادی و عدالت اجتماعی داشتند، عرضه می‌نمود. میتسکیویچ، زندگی اجتماعی طبقات جامعه لهستان را به سبکی ساده و بی‌پیرایه تجزیه و تحلیل می‌نمود. شعارهایی هم‌چون "هدف همه، خوشبختی همه است" و نیز "اتحاد، قدرت می‌بخشد" دعوتی بود که از جوانان برای تحقق بخشیدن به آرزوی خود که استقلال لهستان بود ارائه می‌کرد. درباره وی گفته‌اند که او از شاعران کم‌نظیری بود که با حدّ اعلاي زیبایی و قدرت و غنا، روح ملتش را تجسم داده است. از آدام میتسکیویچ آثاری برجای مانده که منظومه پان‌تادئوش، ملت لهستان و زائران و شامگاه نیاکان از آن جمله‌اند.

تولد "واسکو نونیز دوبالوا" کاشف اقیانوس آرام (1475م) (ر.ک: 8 ژوئن)

واسکو نونیس د بالبو (به اسپانیایی: Vasco Núñez de Balboa) (زادهٔ ۱۴۷۴ - مرگ ۱۵ ژانویه ۱۵۱۹) جستجوگر، کشورگشا و فرماندار اسپانیایی بود. او برای گذر از باریکه پاناما و رسیدن به اقیانوس آرام در ۱۵۱۳ نامور است. او که نخستین بار در ۱۵۰۰ میلادی به قارهٔ نو گام گذاشته بود بنیانگذار سانتا ماریا لا آنتیگوا دل دارین - نخستین سکونت گاه پایدار اروپاییان در آمریکا- در کلمبیای کنونی هم بود. از دیگر کارهای او کامیابی در کشت ذرت بود که سبب پدید آمدن مادهٔ خوراکی تازه ای برای مستعمره نشینان گشت. بنای یادبود بالبو در شهر پاناما بالبو سرانجام به جرم خیانت به دست گروهی که رهبریشان با فرانسیسکو پیزارو بود دستگیرشد و سر از تنش جداگردید. امروزه در پاناما و دیگر کشورها به افتخار او مکان های چندی به نامش نام گذاری گشته اند و واحد پول این کشور نیز بالبو نام گرفته است. همچنین یکی از دهانه های آتش فشانی ماه نیز به افتخار او بالبو نام گذاری گشته است.

تشکیل اولین گروه تروریستی و نژادپرست "کولوکس' کلان" در امریکا (1865م)

با پایان جنگ‌های داخلی امریکا موسوم به جنگ‌های انفصال که به آزادی سیاهان و لغو برده‌داری انجامید، موج نفرت از سیاهان در ایالات جنوبی بالا گرفت و باعث رشد تدریجی نهضت ضد سیاهان گردید. این نهضت به صورت ضرب و جرح گاه و بیگاه سیاهان، ترور آنان و تخریب خانه و کاشانه‌شان و سرقت اموال آنان و وارد آوردن انواع فشار و سختی علیه سیاهان جلوه‌گر شد. درحالی که تنها چند ماه از پایان جنگ ضد برده‌داری گذشته بود، در هر يك از ایالات جنوب امریکا، قوانین و مقررات دست و پاگیری علیه حقوق سیاهان به تصویب رسید و روال گذشته و تبعیضات قدیمی به نحوی دیگر خود را نمایان ساخت. در 24 دسامبر سال 1865م سازمان تروریستی کولوکس' کلان توسط جمعی از نژادپرستان متعصب تروریست و با هدف نابودی و ارباب سیاه پوستان در جنوب امریکا تأسیس شد. این سازمان به سرعت توسعه یافت و گروه گروه مردمی که از برده‌داری محروم شده بودند به این سازمان مخوف پیوسته و پس از مسلح شدن، به جان سیاهان افتادند. فعالیت سازمان کولوکس کلان به معنی حصار قبیلۀ یا گروه دایره، در سال‌های 1866 تا 1869م بسیار وسیع و گسترده بود و هزاران سیاه‌پوست امریکا به دست اعضای این فرقه به طرزی فجیع به قتل می‌رسانیدند. اعضای کولوکس کلان، شب هنگام، ماسک سفید مخصوصی بر چهره زده و لباس بلندی مانند کفن سفید بر تن می‌کردند و نوعی کلاه سفید نوک تیز به سر می‌گذاشتند. آنان هر شب که دستور ترور و قتل داشتند، ابتدا مراسم مخصوصی را به جا می‌آوردند. در این مراسم آنان به دور يك صلیب چوبی که ارتفاع آن به بیش از سی متر می‌رسید حلقه می‌زدند و شاهد سوختن آن می‌شدند و با هم سرود مذهبی می‌خواندند. هر شب که مردم امریکا چنین مراسمی را نظاره می‌کردند، فردایش شاهد چنین جسد سیاه‌پوست در داخل جوی‌های آب، زیر پل‌ها و یا در نقاطی دور از شهرها بودند. سازمان کولوکس کلان که مخالف آزادی اجتماعی سیاه‌پوستان امریکا بود، فعالیت‌های جنایت‌کارانه خود را برای قتل سیاهان و ترور کسانی که موافق آزادی اجتماعی سیاهان بودند، بار دیگر در شانزدهم اکتبر 1915م آغاز کرد. این فعالیت‌ها در طی دهه‌های پس از آن با شدت و ضعف ادامه یافت اما در طول دهه 1960م، کارنامه خون‌باری از کولوکس کلان ارائه شد. از جمله کشتار شدگان این گروه تروریستی، مالکوم ایکس، رهبر مسلمانان سیاه‌پوست امریکا و مارتین لوترکینگ رهبر مسیحیان سیاه‌پوست این کشور در سال‌های 1965م و 1968م می‌باشند که از جمله برجسته‌ترین قربانیان این گروه بودند. دولت‌های امریکا که همگی بدون استثنا، سیاست‌هایشان مبتنی بر گرایش‌ها و تمایلات نژادپرستانه بوده و همواره سیاهان را به دیده تحقیر و نفرت می‌نگرند، نه تنها از تاریخ تشکیل این فرقه جنایت‌کار در قرن نوزدهم تاکنون حاضر نشده‌اند آن را که هنوز دل به احیاء برده‌داری بسته است، توقیف نمایند و باز، نه تنها هیچ یک از اعضای این سازمان تا به امروز مجازات نشده‌اند، بلکه گاه چهره‌های سرشناس این تشکیلات، به عنوان مقامات دولتی در هیأت حاکمه امریکا، پست‌های مختلفی را نیز اشغال کرده‌اند. به طوری که در سال 1924م در کنگره حزب دموکرات، از حدود 1000 نماینده، 343 نفر از اعضای کولوکس کلان بودند. اکنون نیز سازمان مزبور که از سوی اتحادیه‌های بزرگ مالی امریکا حمایت می‌شود، به صورت يك تشکیلات رسمی مذهبی، دارای شعبه‌های در سراسر ایالات متحده‌است. این در حالی است که امریکا همواره از شعار دفاع از حقوق بشر دم می‌زند و خود را مهد آزادی و برابری عنوان کرده است.

دست یابی انسان به ماه (1968م)

در چنین روزی در سال 1968 میلادی سه فضا نورد به نام های جیمز ای لاول، ویلیام آندره و فرانک بوران به ماه رسیدند. آنها قبل از اینکه بروی زمین فرود آیند، ده بار دور ماه گردیدند. هفت ماه بعد نخستین انسان بر روی ماه فرود آمد .